

سخن سردبیر

مدیریت بر مبنای اخلاص؛ جوهره مکتب شهید سلیمانی

مدیریت به‌عنوان فرایند انجام وظایف مرتبط به هم است که در ماهیت و محتوای این وظایف، سازوکارهایی وجود دارد که هر وظیفه به انجام می‌رسد و با سایر وظایف ارتباط برقرار می‌کند. مکاتب مدیریت در جستجوی مفاهیم و اصول مستحکم هستند تا بتوانند کارایی و بهره‌وری را از طریق کارکردهای مدیریت در سازمانها تضمین نمایند. هر یک از مکاتب مطرح در مدیریت با اتکا به یک عنصر محوری، تلاش کرده است که کارکردهای مدیریت را حول آن محور سازماندهی کرده و عملیات مدیریت را بر مبنای آن در سرتاسر سازمان محقق سازد. مکتب کلاسیک مدیریت، «انسان را موجودی اقتصادی و عقلانی»^۱ فرض می‌کند و بر این باور است که مدیریت برای تحقق کارایی در سازمان باید جنبه‌های مادی و انگیزه اقتصادی کارکنان را مورد توجه قرار دهد. در مکتب نئوکلاسیک یا رفتاری، «انسان موجودی اجتماعی»^۲ تلقی می‌شود که توجه به نیازهای اجتماعی کارکنان متضمن تحقق کارایی در سازمان است. در دیدگاه سیستمی، «انسان به‌عنوان موجودی پیچیده»^۳ و در دیدگاه اقتضایی، به‌عنوان «انسان چندبعدی»^۴ در نظر گرفته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که باید پیچیدگی و چندبعدی بودن کارکنان در هدایت منابع انسانی مورد توجه قرار گیرد. امروزه یکی از چالشهای اساسی سازمانها بویژه در عرصه بین‌المللی این است که با عنایت به پیچیدگی و چندبعدی بودن نیازهای کارکنان از یک‌سو، و تنوع روبه‌تزايد مشخصه‌های فرهنگی جوامع از سوی دیگر، مدیران باید روی کدام عنصر کلیدی متمرکز شوند تا در تحقق اهداف سازمانی توفیق حاصل شود. به‌عبارت دیگر ارزش محوری در سازمانهای امروزی چیست؟ یکی از گزینه‌ها برای پاسخ به این پرسش اساسی، انجام مورد‌کاوی و رجوع به بهترین تجربه‌ها یا الگوهای سرآمد^۵ است. این روزها در تمامی محافل خبری دنیا، کارشناسان اهل فن از یک الگوی کارآمد در مدیریت نهادی با گستره بین‌المللی سخن می‌گویند که به‌عنوان یک استراتژیست

-
1. Economic or Rational Man
 2. Social Man
 3. Complex Man
 4. Multi - Dimensional Man
 5. Best practice

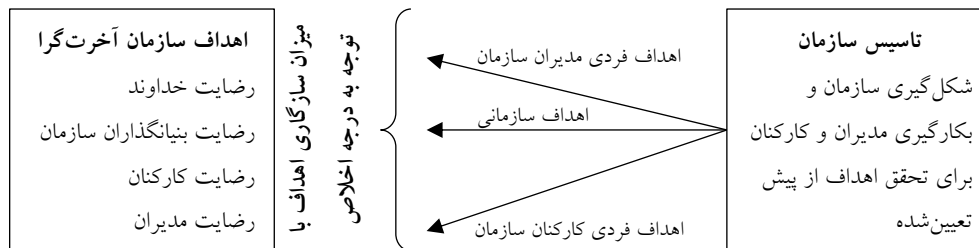
نابغه، مکتب جدیدی را در عرصه بین‌المللی عرضه کرده است؛ و آن کسی نیست جز سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی. شهید قاسم سلیمانی، چهره‌ای بین‌المللی بود که نقش وی در فرونشاندن توطئه‌های منطقه‌ای بر کسی پوشیده نیست؛ آن زمان که دولت‌های عراق و سوریه از دست داعش به تنگ آمده بودند و هر آن بیم سقوط آنها به دست این گروه تروریستی می‌رفت، این قاسم سلیمانی بود که شبانه و بی هیچ هیاهویی به بغداد و ساعاتی بعد به دمشق رفت و با فرماندهی متمرکز در همان ساعات اولیه، داعش را عقب راند و با بسیج نیروهای مردمی طومار آنها را درهم پیچید. آن چنانکه حتی خالقان داعش، در خفا و آشکار سلیمانی را تحسین کردند، ولی چون او را مانعی بزرگ برای اجرای نقشه‌های شوم استعماری خود می‌دانستند، با اقدامی تروریستی او را ناجوانمردانه به شهادت رساندند. اما شهادت وی پایان کار نبود؛ بلکه تشیع با شکوه این سردار سرافراز اسلام در عراق و ایران و تکریم بی‌نظیر او بوسیله توده‌های مردمی در ایران و جهان سرآغازی شد برای شناخت این اسطوره مدیریتی فراموش نشدنی. امروزه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و بویژه مدیریت در سرتاسر جهان، به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی هستند که سلیمانی که بود و چه کرد؟

بهترین منبع و مرجع برای شناخت سپهبد شهید قاسم سلیمانی، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص آن شهید بزرگوار است. در این مجال تنها به چند مورد از فرمایشات ایشان متناسب با موضوع این نوشتار اشاره می‌گردد. مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم در ۱۸ دی ۱۳۹۸، اخلاص سردار پرافتخار حاج قاسم سلیمانی را بالاتر از همه خصائص او خواندند و اضافه کردند: او شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج می‌کرد و اهل تظاهر و ریا نبود که ما نیز باید برای دستیابی به این ویژگی بسیار مهم یعنی اخلاص، تلاش و تمرین کنیم. ایشان در زمینه اخلاص مثال‌زدنی حاج قاسم نیز گفتند: در جلسه‌های رسمی با مسئولان مختلف، او به‌گونه‌ای در حاشیه و دور از چشم می‌نشست که باید می‌گشتید تا او را پیدا می‌کردید و این می‌دیدید. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «مردم قدر سردار شهید قاسم سلیمانی را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این که دلها این‌جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت، مرد بزرگی بود.» (۱۳۹۸/۱۰/۱۳). ایشان همچنین می‌فرماید: «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه

و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم.» (۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷). دو گزاره مهم و کلیدی مرتبط با شهید سلیمانی که از فرمایشات مقام معظم رهبری قابل استخراج است، عبارت است از:
 - نگاه به شهید سلیمانی به جای یک فرد، به مثابه یک مکتب و مدرسه درس آموز
 - «اخلاص» به عنوان مهمترین خصیصه شهید سلیمانی

بر این اساس می توان گفت که الگوی رفتاری سپهبد شهید سلیمانی یک مکتب مدیریتی با مختصات و ویژگیهای خاصی است که مؤلفه «اخلاص»، محور و سنگ بنای این مکتب را تشکیل می دهد. خاستگاه اخلاص شهید سلیمانی کجاست؟ و چه تأثیراتی بر کارکردهای مدیریت دارد؟ مکتب شهید سلیمانی نمونه عملی و تبلور واقعی سازمان آخرت گرا در مدیریت اسلامی است. در این مجال کوتاه تلاش می گردد تا مفهوم اخلاص به عنوان مشخصه بارز سپهبد شهید سلیمانی از دید مدیریت اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

غلبه رویکرد آخرت گرایانه بر رویکرد دنیاگرایانه در تدوین و تحقق اهداف سازمان و همچنین نگرش کارکنان و مدیران، وحدت جبهتی را حاکم می سازد که تمامی ارکان سازمان براساس بینش مشترک که همانا تأمین سعادت اخروی است، منافی همسو خواهند داشت و از ظرفیتهای سازمان حداکثر استفاده به عمل خواهد آمد. عنصری که اهداف سه گانه (اهداف سازمان، مدیران و کارکنان) را در سازمان آخرت گرا همراستا و هم جهت می سازد، «تقوای الهی» است.^۱ در قرآن کریم، ایمان و عمل صالح معمولاً در کنار هم ذکر می شوند تا نشان داده شود که آنها لازم و ملزوم هم هستند و باید در کردار انسان تبلور یابند (نمودار ۱).



نمودار ۱: سازگار کردن اهداف در درون سازمان آخرت گرا (مقیمی، ۱۳۹۷: ۲۳)

۱. مطالب این بخش از منبع ذیل اقتباس شده است: مقیمی، سید محمد (۱۳۹۷). اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات راه دان.

در سازمان آخرت‌گرا تمامی ارکان (اهداف سازمان، مدیران و کارکنان) به سعادت اخروی می‌اندیشند و بر خلاف سازمان دنیاگرا که هدفش رفاه و آسایش دنیایی است، چه بسا مسائل و مشکلات سازمانی را به جان می‌خرد و با اقدامات خداپسندانه خود سعی می‌کند تا توشه‌ای برای آخرت خود برگردد و همانند مسافری مسیرهای ناهموار و صعب‌العبور را با عزم راسخ و انگیزه زیاد طی می‌کند؛ چرا که می‌داند اگر این جاده را با موفقیت به پایان برساند، آسایش ابدی و جاودانه در انتظار او خواهد بود.

خداوند متعال در آیه ۲۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...»: «و کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک و شایسته کرده‌اند، مژده ده که ایشان را بهشتهاست که از زیر آنها جویها روان است». بر اساس آیه ۳ سوره بقره، پارسایان عقیده و عمل را با هم دارند و از طریق ایمان و نماز با خدا، و از طریق بخشش، با مردم پیوند برقرار می‌کنند.

با عنایت به آیات قرآن کریم می‌توان گفت که تقوا در دو کلمه خلاصه می‌شود: «ایمان» و «عمل صالح»؛ که عمل صالح خود دو بخش کلی دارد: یکی عمل صالح در ارتباط با خدا و دیگری عمل صالح در ارتباط با خلق خدا. در واقع، ایمان و عمل صالح که قرآن به‌عنوان دو مؤلفه اصلی تقوا بر آنها تأکید دارد، به دو ساحت و دو لایه وجود انسان مربوط می‌شود: لایه جوانحی یا درونی و لایه جوارحی یا بیرونی. لایه درونی مربوط به درون قلب، فکر و ذهن انسان است (ایمان) و لایه بیرونی آن چیزی است که در ظاهر رفتار و کردار و اعمال او مشاهده می‌گردد (عمل صالح). تأکید قرآن بر این است که حقیقت تقوا عبارت است از پوششی که هر دو ساحت وجودی انسان را در بر می‌گیرد و بر آن سایه می‌افکند. شرط اصلی فلاح، تقوا است و تقوا با عمل صالح پیوند خورده است و عمل صالح عنوان عامی است که مصادیق متعددی دارد.

رویکرد قرآن به ایمان، رویکرد عقلی - عاطفی است. در این رویکرد، ایمان حداقل سه بعد و جنبه اساسی دارد که عبارت است از:

- بُعد عقلی و معرفتی: نوعی یقین قلبی که در بطن خود، علم و معرفت را به‌همراه دارد.
- بُعد ارادی: بدون عنصر اراده و اختیار، ایمان تبدیل به فعل نمی‌شود. از نظر قرآن، ایمان شخص در حالت اجبار و اضطرار پذیرفته نمی‌شود و به سبب ارادی بودن ایمان است که انسانها

مخاطب خطاب‌های الهی قرار می‌گیرند.

- بُعد عاطفی: ایمان نوعی رویارویی وجودی و صمیمانه با امور مورد اعتقاد است. بعد عاطفی، شور و شوق عظیمی را در انسان ایجاد می‌کند و رویارویی او را با خداوند توأم با عشق و هیبت می‌سازد.

خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره فاطر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اُولَئِكَ هُوَ يُنَوِّرُ»: «هر که شرف و قدرت و غلبه خواهد (بداند که) اینها یکسره از آن خداوند است (و باید از او بطلبد) سخنان پاکیزه (اعتقاد به توحید و اصول عقاید که مفاد کلم طیب است) به سوی (قرب) او بالا می‌رود و عمل صالح آن را بالا می‌برد و کسانی که بدیها را به نیرنگ انجام می‌دهند آنها را عذابی است سخت، نیرنگشان تباه و بی‌اثر است». «عزت» به معنای غلبه‌داشتن و مغلوب‌نشدن است. معنای آیه این نیست که عزت منحصر به خداست و کسی نمی‌تواند بدان دسترسی یابد، بلکه به این معناست که آن کسی که ذاتاً عزیز است، خداوند است و اگر کسی عزت می‌جوید، باید از خدا بخواهد. از آنجا که تنها ذات پاک اوست که شکست‌ناپذیر است و هر کسی عزتی کسب می‌کند، از برکت دریای بی‌انتهای اوست. این آیه سپس راه وصول به عزت را، ایمان (باورهای درست) و عمل صالح (کردار شایسته) می‌داند. در انتهای این آیه، کسانی که مکرهای ناپسند می‌کنند تا عزتی را به چنگ آورند، اقدام آنها را بی‌اثر و توأم با عذاب الهی می‌داند. با الهام از این آیه مبارکه می‌توان گفت که دستیابی به موفقیت حقیقی در عرصه سازمان و مدیریت، مستلزم ایجاد یک نقشه ذهنی مبتنی بر باورها و اعتقادات صحیح است که مشارکت‌کنندگان در سازمان را به سرمنزل مقصود که همانا سعادت دنیوی و اخروی است، برساند؛ و از سوی دیگر، با تعریف نقشها و وظایف افراد، بسترهای لازم برای ایفای نقش سازنده مبتنی بر شیوه‌های صحیح فراهم گردد. قرآن روی راه مشخص انسان که از آن به «صراط مستقیم» تعبیر می‌کند، تکیه فراوان دارد. انسان «مرحله» ندارد، به هر مرحله برسد نباید توقف کند، اما «مدار» دارد؛ یعنی در یک مدار خاص باید حرکت کند. «صراط مستقیم» همان «راه راست» و در برابر «راه کژ» است که همراه با تخلف و اختلاف است و صراط مستقیم راهی است که از این دو آسیب (اختلاف و تخلف) ایمن باشد. مصداق آن از نظر قرآن کریم همان «دین قیّم» است (آیه ۱۶۱ سوره انعام). گاه از دین قیّم و صراط مستقیم به «ملت

ابراهیم» یاد می‌شود و کلمه دین به روش او نسبت داده می‌شود. زیرا برجسته‌ترین روش را حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام نمایانده است و «حنیف» کسی است که در متن راه مستقیم حرکت می‌کند و در مقابل «جنیف» و «متجانف» است که به راست یا چپ گرایش دارد. در میان همه راههایی که به خدا می‌رسد، یک راه مستقیم و دیگر راهها انحرافی است (آیه ۱۵۳ سوره انعام). معنای صراط و سبیل به هم نزدیک است، اما در قرآن کریم، کلمه صراط همه‌جا به صورت مفرد بکار رفته است، برخلاف سبیل که به دو گونه مفرد و جمع آمده است. راه مستقیم الهی یکی بیش نیست و هر چه برخلاف آن باشد، «سبیل الغی» است؛ اما راههای انحرافی (سبیل) فراوان است. این بزرگراه محفوظ که یکی بیش نیست، از یک سو به خدای سبحان مرتبط است و از سوی دیگر در فطرت یکایک انسانها قرار دارد و هر کس آن را ببیند، به لقای مهر خدا می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹-۲۵۷).

خداوند متعال در بخشی از آیه ۱۸ سوره جاثیه می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ...»: «سپس ما تو را بر شریعت و مسیری به سوی آیین حق قرار دادیم». به هر راهی که انسان را به مقصد می‌رساند، «شریعت» می‌گویند و در این آیه، مقصود از شریعت، راه و آیین حق، یعنی اسلام است که انسان را به سرچشمه آب حیات وحی و سعادت می‌رساند. انسانها بین هوای نفس و شریعت الهی باید یکی را انتخاب کنند. به اعتقاد «کشفی» در بسیاری از آیات و روایات، از عقل نظری به «ایمان»، از عقل عملی به «عمل صالح»، و از پیروی دومی از اولی، به «اخلاص» تعبیر شده است.

اخلاص یعنی انسان قلبش را مخصوص حق کند تا احدی جز خدا در حرم دل او راه نیابد و هر کاری را که انجام می‌دهد، فقط آن را برای خدا انجام دهد. از این روست که خداوند در آیه ۵ سوره بینه می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»: «با آنکه آنها (در این کتاب آسمانی) مأمور نشده‌اند جز به آنکه خدا را پرستند، در حالی که اعتقاد و دین و طاعت خود را برای او خالص نمایند و حق‌گرا باشند و نماز را برپا دارند و زکات بدهند، و این است دین ثابت و پایدار». مردم هیچ مأموریتی ندارند، جز اینکه دستورهای دین را مخلصانه انجام دهند و فهم و عملشان برای خدا باشد.

بنابراین می‌توان گفت که در سازمان آخرت‌گرا، تمام ارکان سازمان باید به درجه‌ای از اخلاص دست یابند که تمام کارها و فعالیت‌های آنها تابع ایمان آنها باشد که همانا اعتقاد و باور به خدای متعال و تلاش برای جلب رضایت حق تعالی است. در این وضعیت، تعارضی بین اهداف و

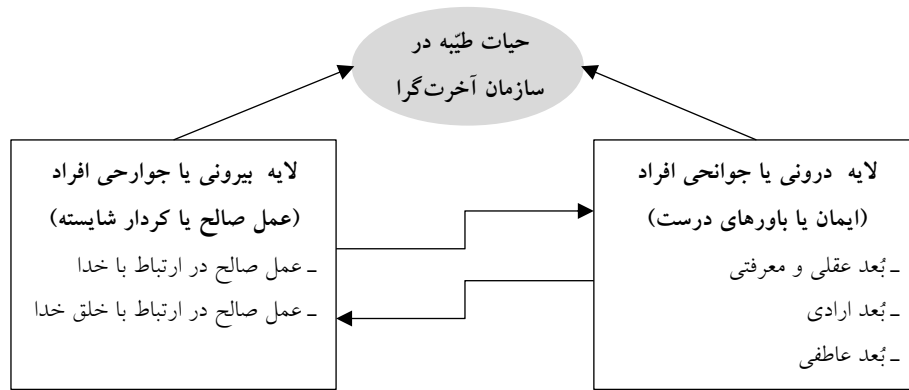
منافع افراد و گروه‌ها پیش نخواهد آمد و همه از پیگیری و تحقق اهداف سازمان بهره خواهند برد. در قرآن شریف بیش از هر کار دیگری بر ایمان و عمل صالح تأکید شده است و از این دو، به‌عنوان دو بال پرواز و صعود آدمی به‌سوی پروردگار یاد شده است: «سخنان پاکیزه به‌سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد» (سوره فاطر، آیه ۱۰). عمل صالح، عبارت از عمل طبق وحی و وظیفه و تکلیف است؛ یعنی انجام دادن آنچه در هر لحظه وظیفه شرعی هر مؤمن است. تلفیق دو عنصر ایمان و عمل صالح، مایه سعادت بشری و وصول او به «حیات طیبه» است (سوره نحل، آیه ۹۷).

خداوند متعال در آیه ۹ سوره مائده می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»: «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک و شایسته کرده‌اند، نوید داده است که آنان را آمرزش و مزدی بزرگ است»؛ لذا بر این اساس ایمان را باید با کردار شایسته همراه ساخت تا مشمول آمرزش و پاداش الهی گردید. ایمان و عمل صالح در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. عمل نیکو، از ایمان نشئت می‌گیرند و تا اعتقادات صحیح و ایمان واقعی در درون آدمی شکل نگیرد، عبادات و اعمال صالح از انسان صادر نمی‌شود. از طرف دیگر، انجام اعمال نیک نیز به سهم خود باعث تحکیم پایه‌های ایمان در درون مؤمن می‌گردد. عمل صالح شاخه‌های گوناگونی دارد. برخی اعمال صالح فقط ناظر به ارتباط انسان با خدا است (همانند نماز)؛ اما اسلام دینی نیست که فقط به رابطه انسان با خدا منحصر باشد و دایره آن بسیار وسیع است و ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد. اسلام در عرصه‌های مختلفی از رابطه انسان با خویشان، بستگان، سایر افراد جامعه تا رابطه جامعه اسلامی با جوامع دیگر، احکام و دستورات مختلفی دارد که هر مسلمان باید آنها را رعایت کند.

لازمه سازگاری و همراستاسازی اهداف در سازمان آخرت‌گرا این است که کارکنان و مدیران برای دستیابی به فلاح و رستگاری و هم‌چنین تحقق حیات طیبه، باید در اعمال و رفتار سازمانی تقوا پیشه کنند و به هر دو مؤلفه اصلی تقوا توجه کنند.

لایه درونی یا جوانحی اعضای سازمان (باورهای درست)؛

لایه بیرونی یا جوارحی اعضای سازمان (کردار شایسته).



نمودار ۲. تعامل باورهای درست و کردار شایسته در شکل‌گیری حیات طیبه سازمانی (مقیمی، ۱۳۹۷: ۲۷)

به عبارت دیگر، برای دستیابی به حیات طیبه، کارکنان سازمان آخرت‌گرا باید به دو بال «باورهای درست (اثربخشی)» و «کردار شایسته (کارآیی)» مجهز شوند. مکتب شهید سلیمانی، همان مکتب مدیریت اسلامی است که بخوبی توانسته در عرصه عملیاتی، عمده ویژگیهای آن را محقق سازد و به ما بیاموزد که مفروضات مدیریت اسلامی، گزاره‌های صرفاً ذهنی نیست و در صورت نصب‌العین قرار گرفتن آنها در عمل می‌توان تبلور و تجلی آن را در امثال سردار شهید سلیمانی و سازمان تحت امر وی شاهد و ناظر بود. در این مجال کوتاه فرصت پرداختن به تمامی مختصات مکتب شهید سلیمانی نبود؛ لذا نگارنده تلاش نمود تا در حد بضاعت ناچیز خود اولاً ادای دین کند به این اسوه مدیریت؛ و ثانیاً بهانه‌ای فراهم سازد تا صاحبان اندیشه و قلم در عرصه مدیریت را به تأمل و تفکر در این زمینه وا دارد تا برای تبیین مکتب فکری و عملی شهید حاج قاسم سلیمانی دست به قلم شوند و مقالات علمی و تحلیلی بنگارند. فصلنامه مدیریت اسلامی از ارسال مقالات در این زمینه استقبال می‌کند و در صورت وجود مقالات کافی، امیدوار است ویژه‌نامه‌ای را منتشر نماید.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir
http://www.prof-moghimi.ir